



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، گروه فلسفه و حکمت اسلامی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد (M.A.)

عنوان:

هویت انسان در مواجهه با امر مطلق از منظر ملاصدرا و کیرکگور

استاد راهنما:

محمد کاظم رضازاده جودی

استاد مشاور:

مهدی نجفی افرا

پژوهشگر:

مهدیه مشفق

زمستان 1391

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هویت انسان در مواجهه با امر مطلق
از منظر ملاصدرا و کیرکگور

سپاس و قدردانی

می‌بایست سپاس و امتنان بی‌کران خود را به اساتید گرامی، آقایان دکتر رضازاده‌ی جودی و دکتر نجفی افرا، که با شکیبایی و دقت علمی خویش مرا در پیشبرد و انجام این پژوهش راهنمایی و یاری نمودند، پیشکش کنم؛ بی‌رهنمودها و مشاوره‌های ایشان تدوین جُستار پیش رو بس دشوار می‌افتاد. همچنین قدردان دوستی هستم که در ترجمه‌ی قطعات آلمانی مورد ارجاع یاری‌رسان من شد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1	چکیده
2	فصل اول: کلیات
3	1-1- بیان مسئله
3	2-1- اهمیت موضوع و انگیزه‌ی انتخاب آن
5	3-1- پرسش‌های اصلی پژوهش
5	4-1- فرضیه‌های پژوهش
7	5-1- روش پژوهش
7	6-1- پیشینه‌ی پژوهش
8	7-1- مشکلات پژوهش
9	فصل دوم: هویت انسان در مواجهه با امر مطلق از دیدگاه ملاصدرا
10	1-2- مقدمه
11	2-2- زندگی و احوالات ملاصدرا
11	1-2-2- زندگی
15	2-2-2- آثار
16	3-2- بخش اول: خدا به مثابه امر مطلق در حکمت متعالیه
16	1-3-2- خدا به مثابه وجود محض و نامتناهی: الحقّ ماهیته إنّیته
17	2-3-2- وحدت واجب‌الوجود
19	3-3-2- اسماء و صفات خدا و انواع آنها
21	4-3-2- فیض خدا
23	1-4-3-2- دوام فیض الهی
24	2-4-3-2- علیت خدا
24	5-3-2- ازلیت و ابدیت خدا
26	6-3-2- علم و فعل خدا
26	1-6-3-2- علم خدا به ذات خود
27	2-6-3-2- علم خدا به غیر خود
28	3-6-3-2- این‌همانی فعل خدا با علم خدا به جزئیات
29	7-3-2- کلام خدا: عالم به مثابه کلام الهی
30	8-3-2- قدرت خدا
31	9-3-2- آیا شناخت خدا ممکن است؟
32	1-9-3-2- آیا شناخت حقیقت مطلق ممکن است؟
33	2-9-3-2- علم معلول به علت خود چگونه است؟
33	4-2- بخش دوم: انسان در حکمت متعالیه
33	1-4-2- چیستی انسان

- 33 1-1-4-2 انسان به مثابه عالم صغیر و انحصار او بر نفس ناطقه
- 36 2-1-4-2 انسان به عنوان جانشین خدا
- 38 3-1-4-2 اهمیت شناخت نفس (خودشناسی)
- 39 4-1-4-2 مبدأ انسان: نفس جسمانیه الحدوث و روحانیه البقا
- 41 2-4-2 ویژگیها و اوصاف انسان
- 42 3-4-2 حرکت جوهری و مراتب نفس انسانی
- 45 1-3-4-2 انواع عقل
- 45 الف) مراتب عقل عملی
- 46 ب) مراتب عقل نظری
- 47 2-3-4-2 عقل فعال
- 48 4-4-2 علم حضوری انسان: اتحاد عاقل و معقول
- 51 1-4-4-2 انواع اتحاد
- 51 2-4-4-2 اتحاد از منظر ملاصدرا
- 52 5-4-2 فقر وجودی معلول نسبت به علت
- 53 1-5-4-2 علت فاعلی است
- 53 2-5-4-2 علیت به مثابه تجلی: معلول شأنی از هستی علت است
- 55 6-4-2 قوای نفس انسانی
- 56 1-6-4-2 قوه شهوت
- 56 2-6-4-2 قوه غضب
- 57 3-6-4-2 قوه واهمه
- 57 7-4-2 کمال انسان
- 58 1-7-4-2 کمال به مثابه فعلیت محض
- 58 2-7-4-2 معنای کمال
- 59 3-7-4-2 کمال عقل عملی
- 60 4-7-4-2 کمال عقل نظری: اتحاد با عقل فعال
- 61 8-4-2 راههای رسیدن به کمال و امکان آن
- 63 1-8-4-2 حقیقت مطلق
- 63 2-8-4-2 راههای شناخت حقیقت مطلق و امکان رسیدن به آن
- 64 9-4-2 شرایط پیمودن مسیر کمال
- 65 10-4-2 موانع کمال انسان
- 65 1-10-4-2 موانع پنجگانه‌ی معرفت الهی و انواع حجاب
- 67 2-10-4-2 انواع کفر
- 67 3-10-4-2 گناه و تعارض قوا
- 69 4-10-4-2 ضرورت تهذیب و تزکیه‌ی نفس و روشهای آن
- 70 11-4-2 مقامات و مراتب انسان کامل

71 12-4-2- ویژگیهای انسان کامل و امکان تحقق آن
72 5-2- بخش سوم: مواجهه‌ی انسان و خدا
72 1-5-2- ماهیت سعادت
74 2-5-2- قیامت یا رستاخیز: صغرا (کوچک) و کبرا (بزرگ)
75 1-2-5-2- حق بودن مرگ در مسیر کمال انسان
75 2-2-5-2- گذر از نشأت مادون به نشأت مافوق
76 3-5-2- معاد: روحانی و جسمانی
78 1-3-5-2- ماهیت بهشت و دوزخ: نظریه‌ی تجسم اعمال
79 2-3-5-2- آیا خلود در دوزخ با حرکت جوهری استکمالی نفس تناقض دارد؟
80 4-5-2- حصول وحدت با عقل فعال
81 5-5-2- حشر تمامی موجودات به جانب خدا
81 1-5-5-2- حشر عقول خالص
81 2-5-5-2- حشر نفوس ناطقه
82 3-5-5-2- حشر نفوس حیوانی و نباتی و جمادی
82 6-5-2- احوال گروههای مردم در آخرت
83 7-5-2- صراط مستقیم
84 8-5-2- مراتب دوری و نزدیکی به خدا
84 1-8-5-2- مراتب بهشتیان
85 2-8-5-2- مراتب دوزخیان
86 فصل سوم: هویت انسان در مواجهه با امر مطلق از دیدگاه کیر کگور
87 مقدمه
88 1-3- زندگی و آثار کیر کگور
90 2-3- خدا در اندیشه‌ی کیر کگور
90 1-2-3- عبور از هگل
92 2-2-3- بازخوانی «امر کلی» و رد «مطلق» هگلی
94 3-2-3- نقد دیالکتیک عقل
97 4-2-3- خدا فراتر از اخلاق
98 5-2-3- خدا به مثابه «شخص»
99 6-2-3- قهر خدا و موهبت رنجه‌ها
100 7-2-3- خدا به مثابه عشق و پوشیدگی او
102 8-2-3- چشم‌داشت خدا از انسان
102 1-8-2-3- قربان‌گری همه‌چیز
104 2-8-2-3- ایمان به مثابه گذشت و خودپرستی
105 9-2-3- «لطف محال» خدا
106 10-2-3- نظریه‌ی تجسد و تناقض‌نمای (پارادوکس) آن

- 108 3-2-11- قدرت ابدیت و نفی معنای زمان
- 108 3-3- انسان در اندیشه‌ی کیرکگور
- 108 3-3-1- فردیت ارجح بر کلیت
- 110 3-3-2- «خود» (نفس) کیرکگور: وابسته به غیر
- 112 3-3-3- خود: گزینشگر اگزستانسیال
- 115 3-3-4- فرد مواجه با وضعیت اگزستانسیال
- 116 3-3-5- انتخاب به جای عقل
- 117 3-3-6- دیالکتیک مراحل
- 118 3-3-6-1- مرحله‌ی حسانی: شاعر
- 120 3-3-6-2- مرحله‌ی اخلاق: قاضی ویلهلم و قهرمان تراژدی
- 122 3-3-6-3- مرحله‌ی ایمان: ابراهیم به عنوان شهسوار ایمان
- 126 3-3-7- دیالکتیک ایمان به مثابه جهش
- 128 3-3-8- انسان کامل و ویژگی‌هایش: شهسوار ایمان
- 128 3-3-8-1- تنهایی مطلق
- 128 3-3-8-2- تعلیق اخلاق
- 128 3-3-8-3- ابدیت
- 129 3-3-8-4- شجاعت
- 129 3-3-9- شرط رسیدن به کمال
- 130 3-3-9-1- دلهره شرط ایمانی بودن جهش است
- 132 3-3-9-2- ترک شرط لازم تکرار است
- 134 3-3-10- موانع رسیدن به کمال: گناه به مثابه نومیدی
- 134 3-3-10-1- نومیدی از منظر آگاهی از خود بودن
- 135 الف) نومیدی حاصل از ناآگاهی از داشتن نفس (نومیدی ناآگاه از نومیدی)
- 136 ب) نومیدی آگاه به نومید بودن (آگاه به نداشتن نفس)
- 136 ب 1) نومیدی آگاهانه‌ی ناشی از عدم تمایل به خود بودن
- 136 ب 2) نومیدی آگاهانه‌ی ناشی از تمایل مایوسانه به خود بودن
- 138 3-3-10-2- نومیدی از منظر کرانمندی و بیکرانگی
- 138 الف) نومیدی ناشی از بیکرانگی، به سبب فقدان کرانمندی
- 139 ب) نومیدی ناشی از کرانمندی، به سبب فقدان بی‌کرانگی
- 139 3-4-4- مواجهه‌ی انسان و خدا
- 139 3-4-1- دین‌داری از دید کیرکگور و مراحل آن
- 140 3-4-1-1- دین‌داری A
- 141 3-4-1-2- دین‌داری B
- 142 3-4-2- آیا مواجهه با خدا امکان‌پذیر است؟
- 143 3-4-3- خود انسانی محصول مواجهه با خداست

143نتیجه‌ی مواجهه با خدا.....4-4-3
144دیدار در تنهایی5-4-3
146فصل چهارم: مقایسه‌ی نگرش ملاصدرا و کیرکگور درباره‌ی مواجهه‌ی انسان و خدا.....
1471-4-مقدمه.....
1472-4-وجه تشابه نگرش ملاصدرا و کیرکگور در باب مسئله‌ی مواجهه‌ی انسان و خدا.....
1471-2-4-آغازگاه انسان: حس.....
1482-2-4-فیض خدا.....
1493-2-4-شناختِ حقیقی (ایمان) علم حضوری است.....
1514-2-4-شناختِ مطلق خدا غیر ممکن است.....
1525-2-4-ابدیت خدا.....
1526-2-4-درک‌ناشدنی بودن صفات و احوال انسان کامل.....
1547-2-4-گذر از صراط و پیامبر همچون آموزگار.....
1568-2-4-نفس وابسته به غیر است.....
1563-4-وجه تفاوت نگرش ملاصدرا و کیرکگور در باب مسئله‌ی مواجهه‌ی انسان و خدا.....
1571-3-4-پیدایش نفس: پیش از مواجهه یا پس از آن؟.....
1582-3-4-معاد.....
1593-3-4-انتخاب به جای عقل و حرکت جوهری.....
1614-3-4-جایگاه و نقش اخلاق در کمال انسان: شرط ضروری یا مانع ملعون.....
1625-3-4-وحدت وجود.....
1636-3-4-حرکت استکمالی: جهانشمول یا انحصاری؟.....
1647-3-4-شوق دیدار و ایمان به لطف محال.....
1658-3-4-دلهره‌ی کیرکگور در برابر رضا، توکل و تسلیمِ صدرایی.....
1669-3-4-تجسد: تناهی و عدم تناهی همزمان.....
168فصل پنجم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
174منابع فارسی.....
182منابع انگلیسی.....
184منابع آلمانی.....
185Abstract.....

چکیده

ملاصدرا و کیرکگور دو تن از تأثیرگذارترین فیلسوفان دینی عصر خویش، به ترتیب در فلسفه‌ی اسلام و مسیحیت بوده‌اند و لذا بررسی یکی از بنیادین‌ترین مسائل فلسفه‌ی دین، یعنی مواجهه‌ی انسان و امر مطلق (خدا)، نزد این دو فیلسوف از اهمیت بسیاری برخوردار است. ملاصدرا بر اساس نگرش وحدت‌تشکیکی خویش جهان را تجلی‌گاه وجودی واحد می‌داند که تمامی موجودات آن بنا به میزان بهره‌ی خود از آن به سطحی از کمال رسیده و در مسیر استکمالی خویش به جانب آن در حرکتند؛ انسان نیز به عنوان عالم صغیر که به تنهایی نمودی کوچک از صفات الهی است، در این حرکت جوهری به جانب مبدأ وجودی خویش در حرکت است. ملاصدرا برای این حرکت مراتبی قائل است که همان مراحل کمال است و در غایت این مسیر انسان به حدی از کمال می‌تواند برسد که از طریق علم حضوری تمام امور را شهوداً بشناسد؛ در این مرتبه او به حد اعلای قرب الهی دست یافته است؛ این مرحله نهایت تکامل عقل است و سالک عارف توانسته است برای رسیدن به آن بر تمام موانع کمال غلبه جوید.

نزد کیرکگور مواجهه‌ی انسان با خدا نه از طریق حرکت جوهری، بلکه به واسطه‌ی نوعی انتخاب آزادانه برای قرار گرفتن در سپهر ایمان، صورت می‌گیرد. کیرکگور بر خلاف ملاصدرا، مواجهه‌ی با خدا را مستلزم کمال عقل نمی‌داند، بلکه بالعکس باور دارد که برای تحقق این مهم می‌بایست از مرتبه‌ی عقل گذر کرد. راه گذر از یک مرتبه‌ی کمال به مرتبه‌ی بالاتر نه تکامل دیالکتیکی عقل، بلکه انتخاب مسئولانه است و نفس انسانی نیز محصول همین انتخاب است: نفس یا «خود» تنها از طریق انتخاب ایمانی انسان شکل می‌گیرد و به عبارتی پیدایش نفس منوط به ارتباط با خداست. انتخابی چنین خطیر میان داشتن نفس و نداشتن آن، آن هم بدون هیچ راهنما و الگو و نیز در شرایطی که جهان عقل و اخلاق موقعیت سوژه‌ی گزینشگر را درک نمی‌کنند، پدیدآورنده‌ی احساسی است که کیرکگور آن را دلهره می‌نامد و وجود آنرا برای سوژه‌ای که در این وضعیت اگزیستانسیال قرار گرفته است، ضروری می‌داند. این دلهره شرط ایمانی بودن انتخاب است و بدون آن، هر گزینه‌ای که انتخاب شود از حیث ایمانی علی‌السویه است.

نگرش ملاصدرا و کیرکگور در باب استکمال نفس به سوی مواجهه با امر مطلق (خدا) از برخی جهات همانندی‌ها و ناهمسانی‌هایی دارد که در تحقیق پیش رو بدانها خواهیم پرداخت.

کلیدواژگان: ملاصدرا، کیرکگور، امر مطلق، حرکت جوهری، علم حضوری، نفس، عقل، عقل فعال، اتحاد عاقل و معقول، کمال، مواجهه، انتخاب ایمانی، شهسوار ایمان، کلیت، لطف محال، ابدیت، تجسد، تکرار، دلهره، نومیدی.

فصل اول:

کلیات

1-1- بیان مسئله

در این تحقیق تلاش داریم تا مسئله‌ی مواجهه‌ی انسان با امر مطلق (خداوند) و چیستی و چگونگی آن را نزد دو فیلسوف دینی برجسته‌ی شرق و غرب، ملاصدرا و سورن کیرکگور، بررسی کنیم. بدین منظور نخست می‌بایست تعریف و تبیین هر یک از این دو متفکر را از خدا به دست دهیم و سپس نوع نگرش آنها به انسان و امور و صفات انسانی را مورد بررسی قرار دهیم. مفهوم و مسئله‌ی کمال انسانی نقش بنیادینی در این مواجهه دارد، لذا بررسی خواهیم کرد که نزد هر یک از این دو اندیشمند آیا مفهوم «کمال انسان» وجود دارد و یا قابل استنتاج است، و اگر پاسخ به این پرسش مثبت است به محتوای انسان کامل از دیدگاه این دو متفکر خواهیم پرداخت. پرسش این است که اگر انسان می‌تواند به چنین مرتبه‌ای برسد، چه عواملی در تحقق این مهم او را یاری می‌دهند و چه فاکتورهایی او را از این کمال بازمی‌دارند؛ آیا این مواجهه در این جهان یا در جهانی دیگر امکان‌پذیر است؟ آیا امکان آن برای همگان وجود دارد یا صرفاً معدودی می‌توانند به آن دست یابند؟ و اینکه نتیجه‌ی مواجهه‌ی این انسان کامل با امر مطلق چیست؟ در نهایت می‌بایست رویکرد هر دو فیلسوف به مسئله‌ی مواجهه‌ی انسان و امر مطلق را با یکدیگر مقایسه کرده و وجوه همانندی و ناهمسانی آنها را پیدا کنیم؛ بر این اساس در فصل اول پژوهش پیش رو کلیات طرح را معرفی خواهیم کرد. سپس در فصل دوم به تشریح نگرش ملاصدرا به مسئله‌ی مواجهه‌ی انسان و خدا می‌پردازیم و در فصل سوم پاسخ همین پرسش را از منظر کیرکگور بررسی می‌کنیم. فصل چهارم به مقایسه‌ی رویکرد این دو فیلسوف در قبال این مسئله اختصاص دارد. در نهایت در فصل پنجم جمع‌بندی و نتیجه‌گیری اجمالی از کل پژوهش به دست داده خواهد شد.

1-2- اهمیت موضوع و انگیزه‌ی انتخاب آن

هم ملاصدرا و هم کیرکگور اندیشمندانی هستند که جایگاه ویژه‌ای به ترتیب در فلسفه‌ی دین اسلام و مسیحیت داشته‌اند و هر دو بر متفکران دینی برجسته‌ی پس از خود تأثیر بسیاری گذاشته‌اند. دستاوردهای

نظری ملاصدرا در آنچه امروز حکمت *متعالیه* خوانده می‌شود، شاکله‌ی نگرش منسجمی به دین اسلام را به وجود آورده است که همین امروز نیز به عنوان یکی از نیرومندترین و پرتطرفدارترین مکاتب فلسفه‌ی نظری و عملی شیعی شناخته می‌شود. همین حقیقت را باید در مورد کیرکگور نیز اذعان کرد. تفسیر ویژه و گاه پیچیده‌ی سورن کیرکگور از مفاهیم کلی ایمان مذهبی به طور عام، و مسیحیت به طور خاص، از بحث‌برانگیزترین و سنت‌سازترین قرائتهای مسیحیت در طول تاریخ بوده است؛ اهمیت فلسفه‌ی او تا بدان حد است که حتا اندیشمندان خداناباور (آتئیست) ای همچون ژان پل سارتر، ادموند هوسرل و مارتین هایدگر را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده و موجب شده که حتا به زعم همین اندیشمندان نیز او بنیان‌گذار سنت فلسفی عظیم اگزیستانسیالیزم (فلسفه‌ی وجودی) غربی انگاشته شود. همچنین تفسیر او از مسیحیت، تجسد و انتخاب ایمانی در مباحث گسترده‌ی الاهیات مسیحی (و حتا گاه یهودی) قرن بیستم میان متألهین و الاهیات‌پژوهان کلیسایی و دانشگاهی حضور پررنگی داشته و نقد و تحلیل و تفسیر و گرده برداری از آراء او را در نوشته‌های دین‌پژوهان و متألهینی چون پل تیلیش، کارل بارت و پانن برگ می‌توان ردیابی کرد.

این موضوع از جنبه‌ای دیگر هم دارای اهمیت است: یکی از دغدغه‌های اصلی فلسفه و الاهیات کیرکگور تعیین تکلیف با فلسفه‌ی فیلسوف بزرگ آلمان، گئورگ ویلهلم فریدریش هگل، و دیالکتیک عقل اوست که در زمان کیرکگور یکی از پرتطرفدارترین نظریات فلسفی عصر خود به شمار می‌رفت. مخالفت‌های جدی کیرکگور با هگل (علی‌رغم تأثیراتی که خواسته یا ناخواسته از او پذیرفته است) در مسئله‌ی ضرورت گذر از عقل برای مواجهه با خدا یکی از انگیزه‌های اصلی پیشبرد این تحقیق بوده است، خاصه آنکه به باور بسیاری از محققین قرابتها و شباهتهای بسیاری میان فلسفه‌ی ملاصدرا و هگل وجود دارد و حتا برخی ملاصدرا را در موضوع وحدت وجود، پیشگام هگل دانسته‌اند.

همچنین پژوهش حاضر این امکان را فراهم می‌کند تا بنیان‌های نظری یکی از بزرگترین جریانهای ضدِ خردباوری (آنتی‌راسیونالیست) در فلسفه و الاهیات غرب، که نقطه‌ی اوج آن نیچه است، را پیدا کنیم: این سنت که حتا وارد الاهیات مسیحی و یهودی نیز شده است از بسیاری جهات میراث‌دار نگرش کیرکگور به مفهوم ایمان و مواجهه‌ی انسان و خداست. تحقیق حاضر می‌تواند زمینه را برای پژوهشهای آینده درباب

مفاهیم و آراء بنیادین این سنتهای فلسفی ضدخردباور (که برجسته‌ترین نشانه‌های آنها ضدیت با فلسفه‌ی روشنگری و مدرنیته‌ی غربی، و رد آموزه‌های چهره‌های فلسفی برجسته‌ی این مدرنیته یعنی کانت، هگل و مارکس است) فراهم آورد.

نهایتاً آنکه فقدان نسبی کار تطبیقی بسنده میان الاهیات ملاصدرا و کیرکگور نیز از انگیزه‌های شکل‌دهنده به پژوهش حاضر بوده است.

1-3- پرسشهای اصلی پژوهش

پرسشهای اصلی‌ای که پژوهش پیش رو در پی یافتن پاسخی برای آنها بوده است عبارتند از:

- 1- خدا و انسان در اندیشه‌ی ملاصدرا و کیرکگور چگونه تعریف می‌شود و ویژگیهای آن کدام است؟
- 2- آیا در فلسفه‌ی ملاصدرا و کیرکگور مواجهه‌ی انسان با خدا امکان‌پذیر است و اگر پاسخ مثبت است به چه طریقی ممکن است؟
- 3- رویکرد ملاصدرا و کیرکگور به مسئله‌ی مواجهه‌ی انسان و خدا دارای چه وجوه اشتراک و تفاوتی است؟

1-4- فرضیه‌های پژوهش

1- به باور ملاصدرا خدا وجود محض است و از سر فیض خویش وجود را در تمامی ممکنات عالم فیضان کرده است و بدین ترتیب جهان کثرات به وجود آمده است. بنابراین از دید او وجود امری واحد است و تمامی موجودات صرفاً تجلی وجود الهی هستند و کثرت عالم موجودات ناشی از بهره‌ی ناقص و اشتدادی آنها از این وجود است؛ تمام موجودات در ذات خود طالب آنند که به سوی مبدأ اصلی خود بازگردند و انسان

یگانه موجودی در عالم موجودات (غیر مجردات) است که می‌تواند از چنین گرایشی در ذات خویش آگاه شود و کمال خویش را تا بالاترین مرتبه‌ی قرب الهی تحقق بخشد.

نزد کیرکگور خدا دیگری مطلق است که در بیکرانگی ابدیت قرار دارد و جهان زمان‌مند و متناهی انسان از درک آن عاجز است. در این تلقی تا انسان حاضر به گزینش آزادانه و دلهره‌آور سپهر ابدیت و ایمان، و گسست از عالم متناهی عقل و اخلاق نشود، از نفس بی‌بهره خواهد بود و نمی‌تواند ابدیت الهی را تجربه کند.

2- در اندیشه‌ی ملاصدرا مواجهه‌ی انسان و خدا امکان‌پذیر است و این مهم منوط به آن است که انسان بر طبق حرکت جوهری خویش راه کمال خویش را بی‌یامد و به مرتبه‌ی وجودی عقل مستفاد و پیوند با عقل فعال برسد.

در نگرش کیرکگور نیز مواجهه‌ی انسان و خدا ممکن است و زمانی حاصل می‌شود که فرد انسانی در موقعیت انتخاب وجودی (اگزیستانسیال) میان سپهر اخلاقی و سپهر ایمانی، بدون توجه به وسوسه‌های عقل و اخلاق، ایمان را برگزیده و به عرصه‌ی ابدیت و بیکرانگی جست زند.

3- ملاصدرا و کیرکگور در غیر ممکن بودن شناخت مطلق خدا، و درک‌ناپذیر بودن حالت روحی انسان کامل برای دیگران، و نیز در وابسته به خدا انگاشتن نفس انسانی با یکدیگر اتفاق نظر دارند؛ اما کیرکگور، برخلاف ملاصدرا رسیدن به ایمان را نه ناشی از تحقق حد اعلای عقل، بلکه منوط به گذر از عقل می‌داند؛ همچنین کیرکگور به هیچ‌وجه نظریه‌ی وحدت وجود - که از بنیانهای رویکرد ملاصدرا به امر مواجهه است - قائل نیست؛ نهایتاً از دید کیرکگور مواجهه برای انسان رویدادی دلهره‌آور خواهد بود، حال آنکه ملاصدرا آن را مالمال از تسلیم و رضا و توکل می‌بیند.

1-5- روش پژوهش

در این پژوهش نخست به روش فیش برداری از نوشته‌های اصلی ملاصدرا و کیرکگور بخش‌های مربوط به موضوع انتخاب شده‌اند؛ در وهله‌ی بعد، از مقالات و کتب مختلفی که به موضوع بحث مربوط بوده‌اند نیز فیش برداری‌های مشابهی صورت گرفته است. سپس بر اساس این فیش برداری‌ها فصل‌های مربوطه نوشته شده‌اند.

پس از معرفی نظریات هر یک از دو فیلسوف درباره‌ی موضوع مورد بحث، از روش تطبیقی استفاده کرده و آراء آنها را مورد مقایسه قرار داده‌ایم و نهایتاً وجوه اشتراک و افتراق آنها را مشخص کرده‌ایم. در ذکر نقل قول‌هایی از منابع درجه‌ی دوم که خود به منابعی از این دو فیلسوف ارجاع داده‌اند سعی کرده‌ایم که منبع اصلی را نیز بررسی کرده و ارجاعات را به جای منابع درجه‌ی دوم، یکر است از منابع اصلی به دست دهیم.

1-6- پیشینه‌ی پژوهش

اگرچه در ایران به طور مجزا هم در مورد ملاصدرا و هم در مورد کیرکگور پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است، اما در باب تطبیق آراء این دو متفکر علی‌الخصوص حول مسئله‌ی ایمان کار چندانی ما انجام نشده است. البته همانطور که پیشتر هم گفته شد، فقدان کار تطبیقی کافی درباره‌ی اندیشه‌ی ملاصدرا و کیرکگور یکی از انگیزه‌های این پژوهش بوده است. با این حال در زیر، از میان پژوهش‌های صورت گرفته در کشور ما در مورد نگرش ملاصدرا و کیرکگور به خدا و انسان، به چند مورد که در شکل‌گیری این تحقیق مفید بوده‌اند اشاره می‌کنیم:

صادقی، مرضیه (1385): "جانشینی خدا در اندیشه‌ی ملاصدرا"، فصلنامه‌ی فلسفه و کلام اسلامی، شماره‌ی 32 و 33، 88-99.

شجاری، مرتضی (1383): "تعریف انسان از دیدگاه ابن عربی و ملاصدرا"، نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره‌ی 191، 75-90.

نیکفرجام، زهره (1383): "مقام انسان از دیدگاه ملاصدرا"، خردنامه‌ی صدرا، شماره‌ی 37، 59-70.

اکبریان، رضا (1388): جایگاه انسان در حکمت متعالیه‌ی ملاصدرا، نشر علم، تهران.

_____ (1384): "خدا در فلسفه‌ی ملاصدرا"، خردنامه‌ی صدرا، شماره‌ی 41، 5-23.

رضازاده جودی، محمد کاظم (1384): "بررسی مقایسه‌ای ایمان از دیدگاه ملاصدرا و کیرکگور"، فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی انجمن معارف اسلامی ایران، سال دوم، شماره‌ی اول، صص 79-111.

1-7- مشکلات پژوهش

شاید بزرگترین دشواری پژوهش پیش رو تطبیق دادن اصطلاح‌شناسی و مفاهیم مورد استفاده‌ی این دو فیلسوف باشد که از دو حوزه‌ی فرهنگی و زبانی کاملاً متفاوت به تدوین نظریات خویش پرداختند. گاه مضامین مورد اشاره‌ی ملاصدرا و کیرکگور -علی‌رغم نزدیکی و شباهت مفهومی- با زبان و به کمک اصطلاحاتی کاملاً متفاوت، و حتا گاه به شیوه‌هایی تماماً غریب با یکدیگر و در بستر مفاهیم فلسفی و دین‌شناختی بس ناهمگون طرح شده‌اند. بیرون کشیدن و بیان کردن روح و یا لاقل دغدغه‌ی مشترک این دو متفکر، از بطن این همه تفاوت کار دشواری بوده است. به این امید که از عهده‌ی آن برآمده باشیم.

فصل دوم:

هویت انسان در مواجهه با امر

مطلق از دیدگاه ملاصدرا

2-1- مقدمه

شاید بتوان بزرگترین دستاورد اندیشه‌ی ملاصدرا را، پیوند بین دو سنت اصلی فلسفه‌ی اسلامی، یعنی سنت مشاء به زعامت چهره‌هایی چون فارابی و ابن سینا، و سنت اشراق که بیش از همه یادآور نام شهاب‌الدین سهروردی می‌باشد، دانست. امروزه این رهاورد فکری با نام **حکمت متعالیه** شناخته شده است که به ویژه نام خود را از کتاب *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه* اخذ کرده است. این نوشتار عظیم و مفصل در واقع جامع اساسی‌ترین مواضع و اشارات فلسفی و عرفانی این فیلسوف اسلامی می‌باشد. تلفیق این دو سنت بنیادین اندیشه‌ی اسلامی توسط ملاصدرا، به ویژه در کتاب *سفار* قابل مشاهده است.

برای ورود به بحث درباره‌ی موضوع پژوهش حاضر، یعنی چیستی انسان و مواجهه‌ی او با امر مطلق در اندیشه‌ی صدرایی، نخست لازم است که بنیانهای **نظری** اندیشه‌ی ملاصدرا را که به تدوین تعریفی مشخص از خدا، انسان، هستی، آگاهی و ... می‌انجامد طرح افکنیم. بر این اساس در آغاز بر آن خواهیم بود تا دیدگاه حکمت متعالیه‌ی ملاصدرا درباره‌ی خدا را مورد تحقیق قرار داده و پیش‌فرضها و انگاره‌ها و استنتاجات فلسفی‌ای که او برای ترسیم حکمت متعالیه به کار می‌گیرد را بررسی و معرفی نماییم. درگام بعدی این پژوهش به تعریف انسان، قوای او و کمال نفسانی او و عوامل و موانع کمال انسان از منظر این فیلسوف خواهیم پرداخت. سپس می‌بایست به مواجهه‌ی میان انسان کامل و خداوند و نیز امکانات و راههای ممکن برای تحقق این مواجهه اشاره کنیم. لیکن پیش از ورود به این طرح کلی، نخست شرحی کوتاه از زندگی و فراز و فرود و دستاوردهای نظری ملاصدرا به دست می‌دهیم.

2-2- زندگی و احوالات ملاصدرا

2-2-1- زندگی

نخست لازم است که یادآور شویم که عمده‌ی توضیحاتی که در این بخش پیرامون زندگی‌نامه و آثار ملاصدرا ارائه می‌شود از سه منبع زیر است:

الف) آشتیانی، سید جلال‌الدین، (1360): شرح حال و آراء فلسفی ملاصدرا، انتشارات نهضت زنان مسلمان.

ب) خامنه‌ای، سید محمد (1382): "زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمتألهین"، خردنامه‌ی صدرا، شماره‌ی 32، 28-38.

پ) دوانی، علی (1372): دورنمایی از زندگانی صدرالمتألهین شیرازی، نشر علم.

محمد ابن ابراهیم مشهور به ملاصدرا در سال 979 - و بنا به برخی روایات دیگر 980 - هجری قمری در شهر شیراز دیده به جهان گشود. تاریخ دقیق تولد او (روز و ماه آن) به هیچ وجه مشخص نیست. پدر او - ابراهیم - از نوادگان حاج قوام‌الدین حسن، وزیر نام‌آور شاه ابواسحاق بود؛ ما با نام شاه ابواسحاق و وزیرش حاج قوام‌الدین در اشعار حافظ و ستایشهایی که این شاعر بزرگ از آنها کرده است آشنا می‌شویم. به سبب این نسبت با حاج قوام، ملاصدرا به کنیه‌ی قوامی نیز شهره شده است.

البته برخی نیز صاحب این نسب را نه «حاج قوام‌الدین حسن» بلکه «قوام‌الدین محمد صاحب‌عیار» وزیر شاه شجاع - که این هر دو نیز مورد ستایش حافظ بوده‌اند - می‌دانند؛ اما قول قوی بر همان حاج